# [فهرست مطالب](#_Toc427669247)

[خطبه اول 2](#_Toc427669248)

[ضرورت علم‌آموزی در اسلام 2](#_Toc427669249)

[اهمیت دانش‌اندوزی از دیدگاه اسلام 2](#_Toc427669250)

[تعلیم وعلم آموزی، از اهداف بعثت حضرت رسول (ص) 3](#_Toc427669251)

[دانش وعلم اساس حرکت صحیح 3](#_Toc427669252)

[علم و دانش شرط قبولی عمل 3](#_Toc427669253)

[ترغیب و تشویق به علم ودانش اندوزی بدون قید وشرط 4](#_Toc427669254)

[قسم به قلم توسط خدا 5](#_Toc427669256)

[خطبه دوم 5](#_Toc427669257)

[محورهای جنگ خلیج‌فارس 6](#_Toc427669258)

[پیامدهای جنگ خلیج فارس 7](#_Toc427669259)

[پیامد اول 7](#_Toc427669260)

[پیامد دوم 8](#_Toc427669261)

[پیامد سوم 8](#_Toc427669262)

خطبه اول

**اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّه[[1]](#footnote-1)؛ ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَّبینَ الأطهَرین لاسیُّما بقیة‌اللّه فی الارضین. اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم** «یا **أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

# ضرورت علم‌آموزی در اسلام

از آنجا که دین اسلام آخرین و کامل‌ترین دین است و در این دین یکی از ارزش‌ها کسب علم است, در باره علم بسیار سفارش کرده است. اسلام علاوه بر اینکه به پیروان خود سفارش می‌کند که علم آموزی داشته باشند حتی به مخالفین خود نیز سفارش می‌کند که دنبال حکمت و علم باشید چون می‌داند که انسانی که به حکمت برسد به حقیقت نزدیک شده و به حقانیت حقایت پی می‌برد لذا توصیه اکید می‌کند که بیایید و با علم آموزی و کسب معارف خود را در معرض بیشترین حقایق قرار دهید.

# اهمیت دانش‌اندوزی از دیدگاه اسلام

یکی از گرایش‌های فطری انسان حقیقت‌جویی است و یکی از توانایی‌های انسان قدرت شناخت واقعیات است. شناخت خود و جهان پیرامون یا به عبارت دیگر خودآگاهی و دیگر آگاهی از ویژگی‌های انسان است. انسان با آگاهی از خویشتن، قادر می‌شود چیزهای دیگر را بشناسد و حتی خداشناس گردد.؛ خودشناسی مبدأ همه شناخت‌های ماست و کسی که خود را بشناسد: اولاً ضرورت شناخت‌های دیگر بر او آشکار می‌شود، زیرا به غایت وجودی خود پی می‌برد و به ضعف و کاستی بالفعل خویش آگاه می‌گردد و ضرورت شناخت مسیر و شیوه حرکت به سوی مقصد را درمی‌یابد و ثانیاً شناخت‌های دیگر برای او ممکن می‌گردد.

امیرالمؤمنین (ع) فرموده‌اند: «**کیفَ یعرفُ غَیرَهُ مَن یجهَلُ نَفسَهُ**»[[2]](#footnote-2) کسی که به خویشتن جاهل است چگونه غیر خود را می‌شناسد. بنابراین اهمیت و امکان تحصیل علم و شناخت، از طریق خودشناسی بر ما آشکار می‌گردد و وقتی علم برای رسیدن به کمال و غایت وجودی انسان ضرورت و اهمیت داشته باشد، پرورش قوه درک حقایق نیز اهمیت خواهد داشت. قوه عاقله انسان هر چه در درک حقایق تواناتر باشد، مقصد و مسیر و موانع حرکت به سوی مقصد را بهتر می‌شناسد و امکان رسیدن به کمال را بیشتر فراهم می‌کند. و بالعکس، اگر قوه شناخت انسان کارآیی خود را از دست دهد، حرکت در مسیر کمال ناممکن می‌شود و گمراهی و هلاکت را در پی می‌آورد.

# تعلیم وعلم آموزی، از اهداف بعثت حضرت رسول (ص)

خداوند در قرآن کریم با صراحت تعلیم را یکی از اهداف برانگیخته شدن پیامبر اکرم (ص) دانسته وفرموده است: «**هُوَ الَّذی بَعَثَ فِی الْأُمِّیینَ رَسُولاً مِنْهُمْ یتْلُوا عَلَیهِمْ آیاتِهِ وَ یزَکیهِمْ وَ یعَلِّمُهُمُ الْکتابَ وَ الْحِکمَةَ وَ إِنْ کانُوا مِنْ قَبْلُ لَفی ضَلالٍ مُبینٍ**»[[3]](#footnote-3). او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده، رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنان می‌خواند وآنان را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می‌آموزد همانا پیش از این، همه در ورطه جهالت و گمراهی آشکار بودند.

رسول خدا (ص) در گفتار و رفتار خود بارها به اهمیت علم، آموختن و نقش آن درتکامل زندگی انسان تأکید و سفارش کرده است. نقل است پیامبر اکرم (ص) دو گروه را در مسجد دید؛ گروهی مشغول عبادت و گروهی سرگرم مذاکره و بحث علمی بودند. پس آن حضرت، رفتن به نزد گروه دوم را بر پیوستن به جمع عبادت‌کنندگان، ترجیح داد درباره این رفتار خود فرمود: من برای تعلیم فرستاده شده‌ام.

# دانش و علم اساس حرکت صحیح

اهمیت علم و علم آموزی از آن روست که معارف لازم برای سعادت از طریق علم آموزی و بکارگیری قوه تفکر و اندیشه به دست می‌آید. معارف سعادت بخش اعم از معرفت خداوند و شناخت راه رسیدن به اوست. هر حرکتی که انسان انجام می‌دهد و هر گامی که بر می‌دارد فقط در پرتو نور علم می‌تواند در راه صحیح و به سوی خداوند باشد. امام علی (ع) خطاب به کمیل فرمودند:  
ای کمیل! هیچ حرکتی نیست جز آنکه تو در آن نیازمند دانشی هستی.[[4]](#footnote-4)

# علم و دانش شرط قبولی عمل

دانش عمل را سودمند می‌سازد، زیرا عمل بدون آگاهی انسان را به هدف نمی‌رساند، حتی اگر صورت ظاهری عمل درست باشد. آگاهی، روح عمل است؛ چراکه عمل با نیت جان می‌گیرد و عمل بدون آگاهی کاری بدون نیت و یا با نیت نادرست است.  
امام صادق (ع) می‌فرمایند: چون شناخت آنچه از خیرخواهی انجام ده، خواه اندک یا بسیار، زیرا عمل همراه با شناخت پذیرفته می‌شود.[[5]](#footnote-5)

# ترغیب و تشویق به علم ودانش اندوزی بدون قید وشرط

تحصیل علم از نظر اسلام یک ضرورت مطلق است و هیچ قید و شرطی ندارد. نه قید زمانی نه قید مکانی وفردی ونه هیچ قید ومحدودیت دیگری؛ از دیدگاه اسلام هیچ امری نمی‌تواند مانع کسب علم و دانش شود بعنوان نمونه: مسئله جنسیتی نمی‌تواند مانع کسب و علم دانش شود: چنانکه نبی مکرم اسلام (ص) می‌فرماید: «**طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِیضَةٌ عَلَی کلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَة**»[[6]](#footnote-6)کسب علم و دانش بر هر زن و مرد مسلمان واجب است. هنگامی به اهمیت این سخن پی خواهیم برد که توجه داشته باشیم در آن عصر زنان و دختران پست‌ترین موجود به حساب می‌آمدند و به تعبیر قرآن کریم: «**إِذا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنْثی ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَ هُوَ کظِیمٌ»[[7]](#footnote-7)** هر گاه به یکی از آن‌ها بشارت دهند دختری نصیب تو شده صورتش (از فرط ناراحتی) سیاه می‌شود، و مملو از خشم می‌گردد.  زمان نیز نمی‌تواند مانع کسب علم و دانش شود: چنانکه نبی مکرم اسلام (ص) در این زمینه می‌فرماید: **«**[**اطْلُبُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَی اللَّحْد**](http://mahdi.cc/fa/news/2025/%D8%A7%D8%B7%D9%92%D9%84%D9%8F%D8%A8%D9%8F%D9%88%D8%A7-%D8%A7%D9%84%D9%92%D8%B9%D9%90%D9%84%D9%92%D9%85%D9%8E%E2%80%8F-%D9%85%D9%90%D9%86%D9%8E%E2%80%8F-%D8%A7%D9%84%D9%92%D9%85%D9%8E%D9%87%D9%92%D8%AF%D9%90-%D8%A5%D9%90%D9%84%D9%8E%D9%89-%D8%A7%D9%84%D9%84%D9%91%D9%8E%D8%AD%D9%92%D8%AF-%D8%A7%D8%B2-%DA%AF%D9%87%D9%88%D8%A7%D8%B1%D9%87-%D8%AA%D8%A7-%DA%AF%D9%88%D8%B1-%D8%AF%D8%A7%D9%86%D8%B4-%D8%A8%D8%AC%D9%88%D8%A6%D9%8A%D8%AF)»[[8]](#footnote-8) از گهواره تا گور دانش بجویید. نشان می‌دهد علم آموزی، محدودیت زمانی ندارد. دوری مکان نیز نمی‌تواند مانع کسب علم و دانش شود: چنانکه رسول خدا (ص) در این راستا فرمودند: «ا**طلبوا العلم و لو بالصّین**»[[9]](#footnote-9) دانش طلب کنید هر چند در چین باشد. از این حدیث معروف، درمی یابیم که از نظر اسلام، طلب علم فریضه ای است که جا و مکان خاصی نمی‌شناسد و محدودیت مکانی ندارد.

اختلاف عقاید استاد و شاگرد نیز نمی‌تواند مانع کسب علم و دانش شود: چنانکه امیرالمؤمنین علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: «**خُذُوا الْحِکمَةَ وَ لَوْ مِنَ الْمُشْرِکین**»[[10]](#footnote-10) حکمت و علم را فرا گیرید و اگر چه از مشرکین باشد. و در جای دیگر فرمود:  
«**خُذِ الْحِکمَةَ مِمَّنْ أَتَاک بِهَا وَ انْظُرْ إِلَی مَا قَالَ وَ لَا تَنْظُرْهُ إِلَی مَنْ قَالَ**»[[11]](#footnote-11) حکمت را از هر که بیاورد فرا بگیرید به گفتار توجه داشته باشید نه به گوینده. حضرت امام باقر، (علیه السّلام) به نقل از حضرت مسیح (علیه السّلام) می‌فرماید: «**خُذُوا الْعِلْمَ مِمَّنْ عِنْدَهُ وَ لَا تَنْظُرُوا إِلَی عَمَلِه**»[[12]](#footnote-12) علم و دانش را از کسی که نزد او است فرا گیرید و به عمل و کردارش ننگرید.

# قسم به قلم توسط خدا

شکی نیست که اسلام به مقولهٔ علم، نگاه ویژه‌ای دارد و برای آن اهمیت فراوان قائل شده است تا آنجا که خداوند در قرآن کریم به قلم سوگند یاد کرده و می‌فرماید: «**ن وَ الْقَلَمِ وَ ما یسْطُرُون**»[[13]](#footnote-13) عظمت این سوگند هنگامی آشکارتر می‌شود که توجه داشته باشیم آن روزی که این آیات نازل گشت، نویسنده و ارباب قلمی در آن محیط وجود نداشت، و اگر کسانی مختصر سواد خواندن و نوشتن را داشتند تعداد آن‌ها در کل سرزمین مکه که مرکز عبادی و سیاسی و اقتصادی حجاز بود به بیست نفر نمی‌رسید، آری سوگند به قلم یاد کردن در چنین محیطی عظمت خاصی دارد. بدون شک دستیابی به علم و دانش به آسانی میسر نیست بلکه با موانع و دشواری‌های فراوانی رو به‌رواست.

**«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ، وَالْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِی خُسْرٍ إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ»[[14]](#footnote-14)**

# خطبه دوم

**اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم، نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا العبد المؤید و الرسول المسدد المصطفی الأمجد ابی‌القاسم محمد (ص) و علی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و علی صدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر (عج)، حججک علی عبادک و أمنائک فی بلادک، ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمان و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین. اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَکونُوا مَعَ الصَّادِقِینَ»[[15]](#footnote-15) عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

# محورهای جنگ خلیج‌فارس

1. نفت

2. انقلاب اسلامی

3. جنگ

نظام امنیتی خلیج‌فارس با انقلاب اسلامی فروریخت و شورای همکاری خلیج فارس، جایگزین مناسبی برای آن نبود و به دلیل تعارض در مبانی و نادیده گرفتن قدرت‌های بزرگ منطقه، این شورا موفق به تأمین امنیت نشد. نفت خلیج فارس هم‌چنان جایگاه عمده‌ای درتامین انرژی کشورهای صنعتی دارد. قطع جریان نفت خلیج‌فارس می‌تواند ضربه مهلکی بر اقتصاد جهان به خصوص کشورهای غربی باشد. امریکا حفظ تداوم آن را جزء منافع حیاتی خود تلقی می‌کند و هزینه‌های لازم برای مقابله با آن را می‌پذیرد. مسئله دیگر خلیج‌فارس، انقلاب اسلامی است که گسترش آن می‌تواند رژیم‌های محافظه‌کار سنتی منطقه را به شدت تحت تأثیر قرار دهد و نظم موجود را به هم بریزد، مقابله با آن، دیگر قدرت‌های غربی در منطقه است که تا حد امکان به شکل غیرمستقیم و در صورت شکست به طور مستقیم عمل می‌کنند و در مقابل آن صف‌آرایی می‌نمایند. رقابت در نظام دوقطبی در هر کجای دنیا معنی‌دار و در حوزه مهمی چون خلیج‌فارس، حکم بازی کلیدی را دارد. دو ابرقدرت نسبت به خلیج‌فارس حساسیت زیادی داشتند و در صدد گسترش نفوذ خود و مقابله با نفوذ رقیب بودند. عراق می‌خواست جنگ را در سطح منطقه‌ای گسترش دهد و آن را بین‌المللی کند، تا با وارد کردن کشورهای دیگر، مانع شکست خود شود.

این کشورها می‌توانست کشورهای کوچک منطقه و اعراب دیگر یا قدرت‌های بزرگ و ابرقدرت‌ها که نگاه خصومت‌آمیزی به جمهوری اسلامی ایران داشتند، باشد. بدون توجه به مسائل اصلی و خطوط متقاطع رقابت‌ها و همسویی‌ها، نمی‌توان تحولات منطقه را موردبررسی و ارزیابی قرار داد.

اگر موضوعات و بازیگران دیگر به این محورها اضافه شود، خطوط متقاطع در خلیج‌فارس بسیار پیچیده و سردرگم خواهد بود که هر کدام از آن‌ها توانی متفاوت و اهداف و سیاست‌های گوناگونی دارند. در سطح منطقه، رقابت اصلی میان جمهوری اسلامی ایران و عراق است. کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس نگران تسلط یکی از این دو کشور بر منطقه هستند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، این نگرانی عمدتاً از جانب ایران احساس می‌شد و به این دلیل، آن‌ها به مقابله با آن برخاستند و پشت سر عراق قرار گرفتند. رقابت دیگر به نظام دو قطبی مربوط است که امریکا و شوروی در دو سوی محور قرار دارند. لیکن این رقابت با روی کار آمدن گورباچف به تدریج کم‌رنگ می‌شود و به سوی همکاری منطقه‌ای متمایل می‌شود. این قدرت‌ها توان نظامی متفاوتی درمنطقه دارند؛ و محورهای رقابت دیگر با تشدید جنگ، از یک سو تحت تأثیر محور ایران و از سوی دیگر تحت شعاع همه قدرت‌های دیگر قرار می‌گیرند. این موضوع می‌تواند ما را به یک فرضیه جدید به شرح ذیل رهنمون سازد:

در صورتی که قدرت‌های مداخله گر و فرامنطقه‌ای نسبت به خطر یکی از طرفین جنگ، ادراک یکسان یا هماهنگ داشته باشند، مداخله آن‌ها نه‌تنها به طولانی شدن جنگ منجر نمی‌شود، بلکه به پایان یافتن آن کمک مؤثری می‌کند.

# پیامدهای جنگ خلیج‌فارس

# پیامد اول

در این سال، مداخله‌گران فرامنطقه‌ای به تدریج با ناوگان دریایی خود وارد منطقه شدند و به چالش با سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در خلیج‌فارس پرداختند. آن‌ها تلاش کردند مانع اعمال سیاست مقابله به مثل ایران شوند و در این تلاش، هزینه‌های اقدام درباره ایران را به شدت افزایش دادند. حمله موشکی به بندر الاحمدی سبب از دست رفتن چند سکوی نفتی شد. حضور نظامی آن‌ها در خلیج فارس، موازنه قدرت را در جنگ ایران و عراق شدیداً به نفع عراق و به ضرر ایران رقم زد. در جنوب، جبهه جدیدی برای جمهوری اسلامی ایران گشوده شد و مسئولین جنگ برای دفاع از کشور ناگزیر بودند، قسمتی از توان نظامی خود را به این جبهه معطوف نمایند. جبهه‌ای که در آن، یک طرف آخرین و پیشرفته‌ترین تجهیزات و جنگ‌افزارهای ساخت بشر را در اختیار داشت و آن هم صرفاً یک قدرت نبود، بلکه مجموعه‌ای از قدرت‌ها و ابرقدرت‌های جهان بود. توازن در جنوب به نامتعادل شدن موازنه در قبال عراق نیز منجر شد و زمینه را برای پیشروی‌های نظامی عراق در پایان جنگ فراهم آورد.

# پیامد دوم

ورود قدرت‌های بزرگ خلیج‌فارس، تهدید اقتصاد ایران و منابع مالی جنگ بود. اقتصاد ایران تک محصولی و متکی به درآمدهای نفتی است. علی‌رغم حمله‌های گسترده عراق به مراکز و تأسیسات نفتی، جمهوری اسلامی ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی مناسب، هیچ زمان در صدور نفت با مشکل جدی مواجه نشده بود. ولی حضور نظامی قدرت‌های فرامنطقه‌ای در خلیج‌فارس سبب شده بود که آن‌ها در صورت تشدید جنگ، زمینه و توان قطع آن را داشته باشند، که در آن صورت نه امکان تداوم امیدوارانه جنگ وجود داشت و نه قدرت چانه‌زنی در عرصه سیاسی برای ایران باقی می‌ماند و به دلیل وابستگی کل اقتصاد کشور به درآمدهای نفتی زندگی عادی مردم نیز به شدت با مشکل مواجه می‌شد و پیامدهای سیاسی اجتماعی آن در داخل کشور غیرقابل کنترل بود. در این دوره به دلیل حملات گسترده عراق و مشکلات ناشی از حمله امریکا به سکوهای نفتی، میزان صدور نفت ایران کاهش یافت که با تداوم جنگ احتمال قطع آن نیز بود.

# پیامد سوم

تحولات خلیج‌فارس، توقف حمله‌های ایران در جبهه‌های جنگ با عراق و افزایش تحرکات و حمله‌های عراق به موضع‌های ایران بود. رژیم عراق بدون کوچک‌ترین واهمه‌ای، نه تنها بر ضد نیروهای ایرانی، بلکه برضد مردم خود نیز به صورت گسترده از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرد و با کم‌ترین واکنش قدرت‌های بین‌المللی روبه‌رو شد. آن‌ها با بهره‌گیری از چنین سلاح‌هایی و هم‌چنین با در اختیار داشتن اطلاعات ارائه‌شده از سوی امریکا و عربستان و پشتیبانی همه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به راحتی توانستند نیروهای ایران را از فاو بیرون نمایند. موضع‌هایی که جمهوری اسلامی ایران در طول چندماه تلاش شبانه‌روزی به‌دست آورد و تثبیت کرده بود و عراقی‌ها با تمام توان خود نتوانسته بودند ایران را مجبور به عقب‌نشینی از آن‌ها کنند. همه این تحولات نشان می‌داد که دست عراق در استفاده از هرگونه سلاح بر ضد ایران باز است و مقامات جمهوری اسلامی احتمال حمله شیمیایی به شهرها و تلفات غیرقابل پیش‌بینی آن را می‌دادند که در صورت وقوع با هیچ هدف مادی قابل سنجش نبود.

هم‌چنین تحولات خلیج‌فارس نشان داد که برخلاف رقابت‌های اولیه، ابرقدرت‌ها و قدرت‌های بزرگ احساس خطر مشترکی از انقلاب اسلامی دارند و بیشتر مایل‌اند به جای رقابت و رویارویی، با یکدیگر همکاری و هماهنگی داشته باشند.

**نسئلک اللهم و ندعوک باسمک العظیم الاعظم الأعزّ الأجلّ الاکرم یا الله ... یا ارحم الراحمین. اللهم ارزقنی توفیق الطاعة و بعدالمعصیة و صدق النیّة و عرفان الحرمة؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر واهله.**

1. . اعراف، آیه 43 [↑](#footnote-ref-1)
2. . شرح غرر الحکم و درر الکلم، ج 4، ص 565 [↑](#footnote-ref-2)
3. . جمعه، آیه 2 [↑](#footnote-ref-3)
4. . الحیاه، ج 8، ص 35 [↑](#footnote-ref-4)
5. . همان، ص 38. [↑](#footnote-ref-5)
6. . بحار الأنوار، ج ‌1، ص 177 [↑](#footnote-ref-6)
7. . نحل، آیه 58 [↑](#footnote-ref-7)
8. . نهج الفصاحة ص 218 [↑](#footnote-ref-8)
9. . الحکم الزاهره، ص 51 [↑](#footnote-ref-9)
10. . بحار الأنوار، ج 2، ص 97 [↑](#footnote-ref-10)
11. . تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص 58 [↑](#footnote-ref-11)
12. . بحار الأنوار، ج 2، ص 97 [↑](#footnote-ref-12)
13. . قلم، آیه 1 [↑](#footnote-ref-13)
14. . والعصر، آیات 1 تا 3 [↑](#footnote-ref-14)
15. . توبه، آیه 119 [↑](#footnote-ref-15)